

ریخت‌شناسی الگوی قرآنی ابتلای انبیا؛ تحلیل داستان ابراهیم (ع)

علی راد*

پریسا عطایی**

چکیده

برابر رویکرد قرآن کریم حیات انسانی آمیخته با آزمون است و تعالی و تکامل انسانی، رابطه‌ای متقابل با آن دارد. پیامبران اسوه‌های عینی ابتلائات الهی هستند و هوشمندانه در قرآن گزینش و گزارش شده‌اند. مسئله اصلی این پژوهش ترسیم الگوی وحیانی ابتلای انبیا و تحلیل مؤلفه‌های آن با تأکید بر داستان حضرت ابراهیم (ع) در قرآن است. محورهای اصلی پژوهش، تبیین چیستی ابتلا و مؤلفه‌های آن، تحلیل آزمون‌های اصلی حضرت ابراهیم (ع) و تطبیق آن با مؤلفه‌های ابتلای قرآنی است. برآیند این پژوهش عرضه الگوی ابتلاپژوهی به مثابه روش بازبایی ابتلائات پیامبران در قرآن است.

کلیدواژه‌ها: سنت ابتلا، ابتلائات انبیا، ابتلائات ابراهیم (ع)، کلمات، مؤلفه‌های قرآنی ابتلا، بازبایی

ابتلا.

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: ali.rad@ut.ac.ir)

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۶

مقدمه

قرآن در آیه «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره: ۱۲۴) از ابتلای ابراهیم (ع) با تعبیر «کلمات» یاد می‌کند. دلالت ظاهر آیه بر این‌همانی ابتلائات ابراهیم (ع)، با «کلماتی» که بدان آزموده شده و نقش‌آفرینی آن در راه‌یابی به مقام امامت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۷۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۵؛ امین، ۱۳۶۱، ج ۲: ۶۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱: ۵۹۹) حاکی از اهمیت آزمون‌های ابراهیم (ع) است. لذا تبیین ماهیت «کلمات» و کشف گونه‌های ابتلائات ابراهیم (ع) همواره برای مفسران توجه‌برانگیز بوده و به پیدایش دیدگاه‌های گوناگون در باب ابتلائات وی انجامیده است. غالب مفسران فریقین کلمات را از سنخ فعل و ناظر بر رخداد‌های زندگی ابراهیم (ع) دانسته‌اند و چون به مصادیق ابتلائات ابراهیم (ع)، جز در ابتلا به ذبح فرزند (صافات: ۱۰۶)، در آیات و روایات اشاره مستقیم نشده است، با ابتنا بر نکات مستفاد از آیات و بهره‌گیری از روایات و گزارش‌های تاریخی، برخی از ابتلائات ابراهیم (ع) را چنین برشمرده‌اند:

ابتلای به آزر (عموی بت‌پرست ابراهیم (ع)) (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۵)، قوم مشرک و ستیزه‌جو (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۴۱۳)، اعلام برائت از بت‌ها و بت‌پرستان (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۷۰)، شکستن بت‌ها (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۳۷)، طاغوت زمانه (نمرود) و رویارویی با او (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۰۸)، انداخته‌شدن در آتش عظیم (طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۶)، هجرت از زادبوم (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۱۶) و رهایی همسر و فرزند در بیابان مکه (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۵۷).

افزون بر این، قرآن کریم، به تصریح یا تلویح، از ابتلای پیامبرانی چون موسی (ع) (طه: ۴۰)، داوود (ع) (ص: ۲۴) و سلیمان (ع) (ص: ۳۴) و ... سخن گفته و به بازنمایی برخی مصادیق ابتلا در زندگی ایشان و نقش آن در کمال‌بخشی آنان توجه نشان داده است. رویکرد قرآن به بازخوانی ابتلائات انبیا، نشان از اهمیت و کارکرد ابتلا در ساحت هدایت‌گری قرآن دارد (بقره: ۲؛ یونس: ۵۷؛ یوسف: ۱۱۱) و لزوم واکاوی ابتلائات ایشان را آشکار می‌کند. روشن است که تبیین کارکرد هدایتی ابتلائات انبیا، مسئله‌ای فراتر از تحلیل تاریخی و شخصیت‌ایمانی آنان است. حال پرسش این است که الگوی قرآنی ابتلای انبیا چیست؟ مؤلفه‌ها و معیار در ابتلانگاری رویداد کدام است؟ گونه‌های اصلی و تبعی ابتلائات انبیا کدام است؟ چه رابطه‌ای میان ابتلائات انبیا و مقامات آنها وجود دارد؟

در حقیقت، این پرسش‌ها از جنس فلسفه ابتلا و روش‌شناسی آن، در رویکرد قرآنی است که الزاماً روش تفسیر ترتیبی پاسخ‌گوی این مسائل نیست. از این‌رو با روش تفسیر موضوعی استنتاجی باید پاسخ آنها را از قرآن استخراج کرد. در میان آثار نگاشته‌شده درباره پیامبران و بررسی ابعاد مختلف زندگی آنها، اثری روشمند با محوریت تبیین چرایی و چیستی و چگونگی ابتلائات ایشان با هدف عرضه الگوی قرآنی ابتلای انبیا به چشم نمی‌خورد. تفاسیر فریقین به فراخور آیات قصص انبیا، آزمون‌های الهی در زندگی ایشان را تحلیل کرده‌اند، اما رویکرد نظریه‌شناختی در تحلیل این آیات برای استخراج الگوی عیار قرآنی در ابتلائات انبیا مد نظر آنان نبوده است. در تک‌نگاری‌های نشریافته درباره پیامبران نیز این کاستی مشهود است. از این‌رو بازپژوهی مجموع آیات ابتلائات انبیا به منظور عرضه الگوی ابتلای قرآنی، ضرورتی گریزناپذیر است که تاکنون پژوهشی با این زاویه نگاه به داستان پیامبران نشر نیافته است.

این مقاله می‌کوشد با استناد به سنت تفسیری فریقین و روایات تفسیری موجود، ابتلائات حضرت ابراهیم (ع) در قرآن را تحلیل، و آن را به مثابه الگویی برای روش شناسایی ابتلائات دیگر پیامبران عرضه کند. بدین‌روی پس از تعریف ابتلا از منظر قرآن، استخراج مؤلفه‌های آن و بررسی آیات و روایات ناظر به سنت ابتلا و مظاهر آن، گونه‌های ابتلائات به دست آمده است. سپس بر اساس نظر مفسران درباره ابتلائات حضرت ابراهیم (ع)، داستان زندگی وی در قرآن بازخوانی شده و کارایی روش بازیابی ابتلائات از طریق انطباق آن با ابتلائات ابراهیم (ع) ارزیابی شده است. بدین‌ترتیب با بیان نمونه کاربردی شیوه بیان‌شده در بازشناسی ابتلائات حضرت ابراهیم (ع)، الگویی پیشنهادی در پژوهش گونه‌شناختی ابتلائات پیامبران عرضه شده است. نظر مفسران، پس از عیارسنجی با تعریف قرآنی ابتلا، به منزله تکیه‌گاهی در تبیین مصادیق ابتلا قرار می‌گیرد و بر حصر ابتلائات ابراهیمی، در نمونه‌های نام‌برده، دلالتی ندارد.

۱. مفهوم‌شناسی ابتلا

در قرآن کریم واژه «بلو» و مشتقات آن، ۳۸ بار در ۲۵ سوره ذکر شده که در این میان، ابتلا و سایر صور آن (از باب افتعال) ده بار (نک: بقره: ۱۲۴ و ۲۴۹؛ آل‌عمران: ۱۵۲ و ۱۵۴؛ نساء: ۶) به کار رفته است. «بلاء» در لغت عربی به معنای فرسودگی و کهنه‌کردن چیزی (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج: ۱، ۲۹۲)

است که در معنای امتحان و آزمایش (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۳۴۰؛ ازهری، بی‌تا، ج ۱۵: ۲۸۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۵۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۸۳؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۶۲) نیز به کار می‌رود. از آن‌رو که خصوصیات اشیا پس از کهنه و فرسوده‌شدن آنها آشکار می‌شود، امتحان را ابتلا گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۵).

در کاربرد قرآنی نیز، همین معنا به گونه دگرگونی و ایجاد تحول برای به‌دست‌آوردن نتیجه به کار رفته است و معنای اختیار و امتحان از مفاهیم التزامی و پیامدهای آن به شمار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۳۵). ابتلا در اصطلاح متکلمان (دغیم، ۲۰۰۱: ۱) و عارفان (کاشی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۲۶) و مفسران شیعه (طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۷۷؛ امین، ۱۳۶۱، ج ۲: ۶۰؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۳۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۳) و سنی (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۸۳؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱: ۲۰۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۶؛ رشید رضا، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۵۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۵۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۷۳؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱: ۶۸۲) به معنای آزمایش و سنجش به کار رفته است.

در اصطلاح قرآنی، ابتلا نوعی تربیت عام الهی و شیوه حکیمانه در آزمون انسان‌ها است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۸۳-۸۴) که با قراردادن هر فرد در بستر حوادث گونه‌گون و با هدف رسیدن به کمال درخور او (یوسفی‌مقدم، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۶۵؛ جمعی از محققان، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۲۵)، صفات باطنی وی، اعم از فضایل و رذایل را از طریق عملکردش ظاهر می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۰۶) و بستری برای تکامل یا انحطاط اختیاری وی فراهم می‌آورد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۴۳۸).

چنان‌که توجه به لزوم هدایت الهی و مقتضیات انسانی ضرورت و کارکرد سنت ابتلا را نشان می‌دهد، خدای متعال هدایت موجودات به سوی کمال را بر خود فرض دانسته است (لیل: ۱۲). کمال انسان‌ها نیز در گرو عملکرد اختیاری آنها است و زندگی تحت قوانین تشریحی و تکوینی بستری برای ظهور آن است. بنابراین، هدایت تشریحی مستلزم بیان شریعت و هدایت تکوینی مستلزم رویارویی با حوادث فردی و اجتماعی است که در گستره ابتلائات فردی و اجتماعی بروز می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۲).

۲. تعریف معیار و مؤلفه‌ها

تعریف معیار از ابتلا، که برآیندی است از مدلول‌های ظاهری آیات و روایات تفسیری و انظار مفسران فریقین، عبارت است از: «رخدادی تحول‌آفرین و هدفمند که به منظور سنجش عملکرد موجود مختار صورت می‌گیرد و ضمن پرده‌برداری از ماهیت وجودی فرد به شکوفایی استعدادهای بالقوه وی (تعالی) یا فزونی ضعف و خلل وجودی او (تسافل) می‌انجامد». با توجه به این تعریف، مؤلفه‌های سه‌گانه ابتلائات انبیا، سنجش (ماهیت ابتلا) و تحول (راهبرد) و تعالی یا تسافل (غایت) است که بیانگر چیستی و چگونگی و چرایی ابتلائات پیامبران بوده و عناصر لازم در ترسیم الگویی وحیانی از ابتلا را به دست می‌دهد. از این‌رو برای استخراج الگوی ابتلای انبیا باید ابتدا با اتکا بر این تعریف داستان انبیا را بازخوانی کرد و با تحلیل اوضاع فراروی ایشان در هر رویداد، رخدادهای منطبق با مؤلفه‌های ابتلا را، به مثابه آزمونی برای آن پیامبر در نظر گرفت.

۳. روش شناخت ابتلا

یکی از مسائل در نظریه‌شناسی الگوی ابتلای قرآنی روش اکتشاف گزاره‌های متناسب با ابتلا است. بعد از تعریف معیار، گام بعدی تحصیل جامع و دقیق گزاره‌های ابتلای هر پیامبر (در این پژوهش ابراهیم (ع)) است. تلفیق روش مفهومی و واژگانی، روشی جامع در این مسئله است. افزون بر قرآن، گفتار معصومان در باب ابتلای انسان‌ها به‌ویژه ابتلای انبیا، اعم از بیان مصادیق، شیوه رویارویی، تبیین ماهیت و غایت آن، درک انواع ابتلائات پیامبران را میسر می‌کند؛ چنان‌که دلالت صریح یا ضمنی روایات بر ابتلابودن برخی امور و مصادق‌یابی آن در زندگی حضرت ابراهیم (ع) برخی ابتلائات ایشان را برای ما روشن می‌کند.

تأمل بر مضامین وحیانی درباره ابتلا و واژگان هم‌خانواده آن، اعم از اختبار و امتحان و فتنه، نمایه‌ای از انواع ابتلائات به دست می‌دهد که با توجه به آن می‌توان الگوی ابتلاشناختی پیامبران را کامل‌تر کرد، اما نظر به انحصار نمونه پژوهشی حاضر در ابتلائات حضرت ابراهیم (ع) صرفاً روش‌های کارآمد در شناخت ابتلائات ایشان را بیان کرده‌ایم. روشن است که الگوی یادشده بیانگر نمونه‌هایی از راه‌های بازیابی گونه‌های ابتلائات پیامبران است و مدعی حصر در روش شناخت ابتلائات نیست.

در ادامه، ضمن گونه‌شناسی آیات بیانگر ابتلائات، هر یک را درباره ابتلای ابراهیم (ع) تطبیق می‌کنیم و مستندات قرآنی هر یک را نشان می‌دهیم. البته در تبیین آیات از روایات تفسیری برای توضیح مفاد قرآنی بهره گرفته‌ایم.

۳.۱. مصادیق ابتلا

در آیه «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشْيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرٍ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵) برخی مصادیق ابتلا در حیات انسانی بیان شده است که از طریق مطابقت‌دادن آنها با رخدادهای زندگی انبیا می‌توان به مواضع آزمون‌های الهی در سیر زندگانی ایشان پی برد. نمونه کاربرد این آیه در داستان زندگی حضرت ابراهیم (ع) در ابتلای به‌آتش‌افتادن ایشان و رهایی خانواده در بیابان مکه نمایان است.

در میان ذکر مصادیق ابتلا در آیه (بقره: ۱۵۵)، ایجاد نقص در نفس از انواع ابتلائات بیان شده است. سوخته‌شدن جسم در آتش از مصادیق بارز نقص در نفس (بعد مادی) است. بر این اساس، در معرض زوال قرارگرفتن بدن ابراهیم (ع) به هنگام افکنده‌شدن در آتش را می‌توان ابتلایی برای او تلقی کرد. بنا بر فرمایش امام صادق (ع): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَزَلَةً لَا يَلْبِغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِتْيَاءِ فِي جَسَدِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج: ۳، ۶۳۹) و پیامبر اکرم (ص): «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ لَهُ الدَّرَجَةُ عِنْدَ اللَّهِ لَا يَلْبِغُهَا بِعَمَلِهِ حَتَّى يَبْتَلَى بِبَلَاءٍ فِي جِسْمِهِ فَيَلْبِغُهَا بِذَلِكَ» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷: ۱۷۲) نیز، ابتلای جسم از عوامل صعود به درجات متعالی است. سوختگی از شدیدترین انواع رنجوری جسم و سبب نابودی آن است. لذا ابتلای ابراهیم (ع) به ورود در آتش، ابتلایی بر جان شریف او است که نه‌تنها به ناراحتی، بلکه به نابودی جسم او می‌انجامد.

بنا بر آیه (بقره: ۱۵۵) خوف و ایجاد نقص در ثمرات، که یکی از مصادیق آن اولاد (ثمره وجود) است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج: ۷، ۶۴۳)، از گونه‌های ابتلا به شمار می‌رود. رهایی همسر و فرزند خردسال در بیابان مکه به رغم وجود پیوند عاطفی مستحکم با ایشان، برای ابراهیم (ع) با نقص و فقدان فرزند (ثمره) و ترس بر ایشان، اعم از احتمال آزار اغیار و چگونگی معیشت و سرنوشت، توأم است و از این‌رو ابتلایی برای وی قلمداد می‌شود.

ابتلا به خویشاوندی مشرک و حق‌ستیز از مصادیق صبوری در برابر ابتلای به خوف و نفس است. بر اساس مفاد روایاتی چون فرموده رسول‌الله (ص): «إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِ عَلَى بَلَايَا

أربع، أشدّها عليه: مؤمنٌ يقولُ بقولهِ يحسدُهُ، أو منافقٌ يَقْفُو أثرَهُ، أو شيطانٌ يَغْوِيهِ، أو كافرٌ يري جهادَهُ، فما بقاءُ المؤمنِ بعدَ هذا؟!»^۱ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۶۲۷)، یکی از آزمون‌های بسیار شدید برای آدمی، ابتلای او به افراد پیرامونش است. واکنش پدر (نظر مشهور: عمو) (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۱۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۴۹۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۱۶۲ تا ۱۶۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۱۸۴) ابراهیم (ع)، آزر، در برابر دعوت سراسر مهر ابراهیم (ع) (مریم: ۴۶) و نقش ویژه وی در ترویج شرک (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۰۸) نشان از کفر و عناد آزر دارد و تداعی‌کننده گروه چهارم از افراد نام‌برده در روایت است. از این‌رو می‌توان گفت ابراهیم (ع) به خویشاوندی کافر و شرک‌گستر مبتلا شده است. روشن است که از سویی خوف از سرزنش آزر و دیگران به تهمت ناسپاسی در برابر زحمات وی در تربیت ابراهیم (ع) و تردید مخاطبان در برابر دعوت توحیدی ابراهیم (ع) به دلیل نسبت با آزر از سوی دیگر، همگی برای ابراهیم (ع) فضایی خوفناک و ناامنی روانی و شخصیتی (بعد روانی نفس) ایجاد می‌کند.

۳.۲. سنت جزا برای ابتلا

مفاد برخی آیات و روایات بیانگر اعطای جزا در مقابل موفقیت در ابتلا است. با تبیین قرآن به قرآن این آیات می‌توان به رهیافتی جدید در شناخت ابتلا در قرآن دست یافت. انضمام آیه «وَلَبَلُّوْكُمْ بَشِيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵) با «إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر: ۱۰) حاکی از آن است که موفقیت در ابتلا، پاداشی درخور آن را به دنبال دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۶۴۴)، چنان‌که مفاد برخی روایات بر سنت جزا برای ابتلا در مقام یکی از سنن الهی در نظام احسن هستی دلالت دارند، مانند: «ما أثنى الله تعالى على عبدٍ من عباده من لدن آدم إلى محمدٍ (ص) إلا بعد ابتلائه و وفاءٍ حقِّ العبودية فيه، فكراماتُ الله في الحقيقة نهياتُ، بداياتها البلاء» (شهید ثانی، بی‌تا: ۵۳)، «وَكَلَّمَا كَانَتِ الْبَلْوَى وَالْإِخْتِبَارُ أَعْظَمَ، كَانَتِ الْمُثُوبَةُ وَالْجَزَاءُ أَجْزَلَ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸: ۴۳) و «وَلَوْ أَرَادَ اللَّهُ - جَلَّ ثَنَاؤُهُ - بِأَنْبِيَائِهِ حَيْثُ بَعَثَهُمْ أَنْ يَفْتَحَ لَهُمْ كُنُوزَ الذَّهَبَانِ، وَ مَعَادِنِ الْعِيقِيَانِ، وَ مَعَارِسِ الْجِنَانِ، وَ أَنْ يَحْشُرَ طَيْرَ السَّمَاءِ وَ وَحْشَ الْأَرْضِ مَعَهُمْ، لَفَعَلَ، وَ

۱. خدا از مؤمن برای چهار بلا پیمان گرفته که سخت‌ترین آنها بر مؤمن این است که مؤمنی هم‌عقیده او باشد و بر او حسد ورزد یا منافقی که از او دنبال‌گیری کند (تا ضعفی به دست آورد) یا شیطنی (از جن یا انس) که او را گمراه کند یا کافری که جنگ با او خواهد پس با این گرفتاری‌ها مؤمن چه اندازه عمر کند [از ایمانش باقی ماند]؟ (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۴۸).

لَوْ فَعَلَ لَسَقَطَ الْبِنَاءُ، وَ بَطَلَ الْجَزَاءُ، وَأَضْمَحَلَ الْإِبْتِلَاءُ، وَ لَمَّا وَجِبَ لِقَائِلَيْنِ أَجْرُ الْمُتَبَتِّلِينَ، وَ لَلْحَقِّ الْمُؤْمِنِينَ ثَوَابُ الْمُحْسِنِينَ، وَ لَلزِمَتِ الْأَسْمَاءُ أَهَالِيهَا عَلَى مَعْنَى مُبِينٍ، وَ لِذَلِكَ لَوْ أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً، فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ، وَ لَوْ فَعَلَ لَسَقَطَ الْبَلْوَى عَنِ النَّاسِ أَجْمَعِينَ» (همان: ۴۱). با کار بست سنت ملازمه جزا با ابتلا می‌توان ابتلائات انبیا را با بررسی آیات ستایش الهی از آنان جويا شد. به بیانی دیگر، در صورت اختصاص جزا به پیامبر پس از رویدادی در سیر زندگی و دعوت وی، احتمال ابتلابودن آن واقعه مطرح می‌شود. کاربرد این دسته از آیات را در بازشناسی ابتلائات ابراهیم (ع) به اعلام برائت از بت‌ها و بت‌پرستان و هجرت اجباری (تبعید) از زادگاه^۱ و انکار قوم حق‌ستیز می‌توان مشاهده کرد.

ابتلا به بت‌پرستی؛ بررسی سیاق آیاتی که متضمن دعوت ابراهیم (ع) و مبارزه با مشرکان است، نشان می‌دهد در پی تحقق ابتلائات ناشی از امر ابلاغ، مواهب الهی به مثابه واکنش ربوبی در مقابل سرافرازی ابراهیم (ع) عطا شده است. تأمل بر مفهوم این عطایا بر اجابت برخی دعاهای ابراهیم (ع) نیز دلالت دارد. با در نظر گرفتن قاعده نام‌برده (ابتلاء ← جزا) و توجه به اینکه موفقیت در ابتلا، یکی از عوامل استجاب دعا است (همان، ج: ۴، ۳۰۸)، می‌توان از اخبار اجابت پاره‌ای از دعاهای ابراهیم (ع) (در قالب بیان مواهب الهی) افزون بر اجر رسالت، وجود واسطه ابتلا در فرآیند اجابت را اثبات کرد. از این‌رو بیان اجابت برخی دعاهای پس از اعلام برائت، می‌تواند نشانه‌ای بر ابتلابودن آن باشد؛ چنان‌که تحلیل مفاد دعاهای ابراهیم (ع) پس از اعلان برائت از بت‌ها (شعراء: ۷۰-۷۷)، اجابت دعای او در برخورداری از قلب سلیم و قراردادن لسان صدق در آیندگان را در اثر ابتلا به اعلام برائت از غیر خدا یادآور می‌شود.

توضیح بیشتر آنکه از سویی برابر آیات (شعراء: ۸۷-۸۹) ابراهیم (ع) نجات از خذلان در روز قیامت را به سبب ایتاء الهی قلب سلیم به وی درخواست کرده است و از سوی دیگر برابر آیات (صافات: ۸۴-۸۶) برائت‌طلبی ابراهیم (ع) در مرحله پس از احتجاج با ستاره‌پرستان نیز از نشانه‌های قلب سلیم وی دانسته شده است. به نظر می‌رسد زمینه‌های رسیدن به مقام قلب سلیم از طریق ابتلای ابراهیم (ع) به پذیرش خطرات ناشی از برائت‌جویی و محرومیت‌های آن، تمهید شده است؛

۱. بنا بر روایات هجرت ابراهیم (ع) به دلیل تبعید از جانب نمرود بوده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج: ۱۵، ۸۱۵).

چه آنکه بر اساس قاعده تناسب ابتلا و جزا (نبأ: ۲۶) می‌توان گفت قلب سلیم قلبی پاک‌شده از انواع شرک است (همان، ج ۳: ۴۶) و اعلام برائت نیز، اعلام بیزاری از هر آنچه غیرخدا است. بنابراین، اعلام برائت، مساوق با اعلام تحقق قلب سلیم است و جزابودن آن در برابر برائت‌جویی با توجه به سیاق کلام، منطقی می‌نماید.

همچنین، اجابت دعای لسان صدق قرارداد ابراهیم (ع) برای آیندگان (شعراء: ۸۴) را در آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ» (زخرف: ۲۸) می‌توان یافت. نظر به مفاد دعای ابراهیم (ع)، ظهور اجابت این دعا، در استمرار پیام توحیدی وی از طریق امتداد نبوت در نسل او است. از نظرگاه مفسران و روایات، قرارداد لسان صدق در میان آیندگان می‌تواند به معانی امتداد پیام توحیدی او (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۲۸۷؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۲: ۶۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۷: ۱۲۸؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۶۰۴)، مقبولیت عام وی در میان پیروان هر مذهبی و ذکر نیک‌نامی ابراهیم (ع) از جانب آنها (طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۳۰۴؛ امین، ۱۳۶۱، ج ۹: ۲۵۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴: ۱۱۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۲۳؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۵۶) و بعثت پیامبر اکرم (ص) یا خلافت امیرالمؤمنین (ع) (مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۴۸۴) باشد.

به نظر می‌رسد بازگشت معانی گفته‌شده، به معنای گسترش عقیده توحید از راه امتداد خط نبوت در نسل ابراهیم (ع) است که در روایات به مصادیق و در نظر دوم به لازمه منطقی آن اشاره شده است. ثمره بقای نام نیک ابراهیم (ع) در میان همه ادیان، پیروی از او در مسیر وحدانیت الهی است (تلازم محبت و اطاعت: آل عمران: ۳۱) که لازمه آن دریافت پیام حق او از طریق سایر انبیا است. بنابراین، اجابت دعای ابراهیم (ع) در استمرار پیام رسالت از طریق انبیا و ائمه (ع) تبلور می‌یابد. مطابقت ابتلا و جزای آن نیز، از آن‌رو است که کلام وحی پس از بیان اعلام برائت ابراهیم (ع) (زخرف: ۲۶-۲۸) با بیان «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» به امتداد نبوت و امامت در نسل وی، به منزله واکنشی الهی در مقابل عملکرد او، اشاره می‌کند؛ چراکه از نظر غالب مفسران شیعه و سنی، منظور از جعل کلمه جاویدان در ذریه ابراهیم (ع)، کلمه توحید است (طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۱۹۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۹۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۶: ۲۹۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۶۲۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۷۷؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۵: ۲۳۹).

در سوره انعام نیز، پس از ذکر احتجاجات ابراهیم (ع) با پدر و قوم و پرستشگران اجرام سماوی، نعم الهی اعطایی به ابراهیم (ع) بعد از این مرحله از دعوت چنین است: هبه اسحاق و یعقوب، هدایت آنها، صالح، محسن و مجتبی شدن ایشان و اهتدا به صراط مستقیم ذریه او (انعام: ۸۴-۸۷)؛ گذشته از آنکه اعطای تمامی مراتب فوق به ذریه ابراهیم (ع)، عبارت دیگری از جعل کلمه توحید از راه امتداد نبوت در نسل او و بیانگر جزای ابتلای وی به برائت‌طلبی از بت‌پرستان است. بررسی آیات دعوت ابراهیم (ع) و مواهب اعطایی به او در پی تحقق ابتلائات ناشی از انجام‌دادن امر رسالت (مریم: ۴۹ و ۵۰؛ انبیاء: ۷۲ و ۷۳؛ عنکبوت: ۲۷؛ صافات: ۱۰۰ و ۱۰۱) نشان می‌دهد قدر مشترک عطایای الهی، هبه اسحاق و یعقوب و جعل نبوت در میان آنها است.

از طرفی آزمون مشترک در این دو دسته از آیات هم اعلام برائت ابراهیم (ع) از بت‌پرستی و بت‌پرستان است. از این‌رو با استناد به قاعده تناسب پاداش با آزمون می‌توان گفت اعلام برائت ابراهیم (ع) از بت‌پرستان عصر خود، یکی از ابتلائات او است که زمینه‌ساز اجابت دعای وی بر جعل لسان صدق شده یا یکی از شروط لازم برای آن را محقق کرده است. در تبیین تناسب این ابتلا (اعلام برائت) با پاداش آن (ایتاء نبوت به نسل ابراهیم (ع)) گفتنی است اعلام برائت ابراهیم (ع) از بت‌پرستان، به‌ویژه نزدیک‌ترین آنها به وی، همچون آزر عموی ابراهیم (ع)، مستلزم گسستن تمام پیوندهای عقیدتی و عاطفی و اجتماعی وی از خانواده و جامعه بوده است. در برابر چنین ابتلایی و چشم‌پوشی از امور نام‌برده، خداوند مهم‌ترین رکن عقیده الهی (توحید) را در عاطفی‌ترین نهاد بشری (رابطه پدر و فرزند) قرار می‌دهد و با اعطای این مقام، آنها را در جایگاه مهم‌ترین فرد جامعه (پیشوایی صالحان) فرا می‌نهد.

ابتلا به هجرت اجباری (تبعید)؛ آیات دربردارنده مجاهدت‌های ابراهیم (ع) پس از اعلام مهاجرت وی (مریم: ۴۹ و ۵۰؛ انبیاء: ۷۲ و ۷۳؛ عنکبوت: ۲۷؛ صافات: ۱۰۰ و ۱۰۱) نیز، برخی از عطایای الهی به او را برمی‌شمرد که به نظر می‌رسد جزای مجموعه ابتلائات او، از آغاز دعوت قوم تا آخرین مرحله آن است. جزای مشترک میان آیات بیانگر تبعید ابراهیم (ع)، بشارت به نسلی مهدی و هادی است. به نظر می‌رسد ابراهیم (ع) پس از تن‌دادن به مهاجرت، دست به دعا برمی‌دارد و از خداوند فرزند صالح درخواست می‌کند و در پی آن، بشارت به اجابت (صافات: ۱۰۰ و ۱۰۱) بر او نازل می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۵۴۸؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴: ۳۸۸). بنابراین، بر

اساس قاعده تناسب جزا با ابتلا، هجرت جبرآلود ابراهیم (ع) ممکن است یکی از ابتلائات مؤثر در کسب استحقاق ایشان به نسلی نبوت‌پیشه محسوب شود. از این‌رو تبعید ابراهیم (ع)، ابتلائی برای وی بوده است.

ابتلا به قوم مشرک و ستیزه‌خو؛ با در نظر گرفتن دلالت عام فرمایش امام صادق (ع) در روایت: «وَ إِنْ كَانَ النَّبِيُّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ لَيَأْتِي قَوْمَهُ فَيُقَوْمُ فِيهِمْ بِأَمْرِهِمْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ مَا مَعَهُ مَبِيتٌ لَيْلَةٍ فَمَا يَتْرُكُونَهُ يَفْرَغُ مِنْ كَلَامِهِ وَ لَا يَسْتَمِعُونَ إِلَيْهِ حَتَّى يَقْتُلُوهُ وَ إِنَّمَا يَبْتَلِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عِبَادَهُ عَلَى قَدَرٍ مَنَازِلِهِمْ عِنْدَهُ» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۹) یکی از ابتلائات پیامبران، از جمله ابراهیم (ع)، ابتلا به قوم مشرک و ستیزه‌گر است؛ چنانچه با توجه به روایت پیامبر اکرم (ص): «يَا عَلِيُّ! إِنَّكَ بَاقٍ بَعْدِي وَ مُبْتَلَى بِأُمَّتِي، وَ مَخَاصِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، فَاعْدِلْ لِلْخُصُومِ جَوَابًا» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج: ۱، ۱۹۵) رابطه میان پیشوا و امت حق‌ستیز، گونه‌ای از ابتلا به شمار می‌رود. از این‌رو برداشت عام از روایت، از طریق الغای خصوصیت و تنقیح مناط، رویارویی ابراهیم (ع) با مردمی جاهل و ستیزه‌خو را در جلوه آزمون‌ی برای ایشان نمایان می‌کند.

۳.۳. آیات بیانگر دعاهای انبیا

بر اساس روایاتی چون فرموده رسول الله (ص): «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ... إِذَا بَعَثَ نَبِيًّا قَالَ لَهُ: إِذَا أَحْرَزَكَ أَمْرٌ تَكْرَهُهُ فَادْعُنِي أَسْتَجِبْ لَكَ، وَ إِنْ اللَّهُ أَعْطَى أُمَّتِي ذَلِكَ حَيْثُ يَقُولُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (حمیری، ۱۴۱۳: ۸۴) و امام صادق (ع): «هَلْ تَعْرِفُونَ طَوْلَ الْبَلَاءِ مِنْ قِصْرِهِ؟ قُلْنَا: لَا، قَالَ: إِذَا أَلِهَمَّ أَحَدَكُمْ الدُّعَاءَ عِنْدَ الْبَلَاءِ فَاعْلَمُوا أَنَّ الْبَلَاءَ قَصِيرٌ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج: ۴، ۳۰۸) یکی از مواقع استجابت دعا هنگام ابتلای فرد است. از این‌رو با در نظر گرفتن زمان‌شناسی پیامبران برای عرض حاجت در آستان ربوبی (نک: یوسف: ۹۷-۹۸) می‌توان با بررسی آیات بیانگر دعاهای پیامبران و درک فضای حاکم بر آن، مواضع ابتلای ایشان را دریافت و علت اقدام به دعا را، ابتلا به امری ناخوشایند دانست.

نمونه کاربرد این آیات را در ابتلای حضرت ابراهیم (ع) به رهایی خانواده در بیابان مکه می‌توان دید. مضمون آیه ناظر به رهایی هاجر و اسماعیل در مکه: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ

لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ * رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نَعْنِي وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم: ۳۷-۳۸) حاکی از بازنمایی استدعای ابراهیم (ع) در حین ابتلا و طلب استمداد برای به‌سازی موقعیت فرارو است؛ چه آنکه توصیف فضای واگذاری اسماعیل و هاجر «إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ» و سپس دعا برای رفع کمبودهای آن «فَجَاعِلُ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ وَارْتَقَاهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ» و بیان تفویض امر به علم الهی «رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نَعْنِي وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم: ۳۸) نشانگر اضطرار داعی است و احتمال ابتلابودن این امر برای ابراهیم (ع) را موجه می‌کند.

۳.۴. بیان واقعه در سیاق ابتلا

در نظر گرفتن نقش بسزای سیاق، به منزله قرینه پیوسته لفظی کلام، در تبیین مفاد آیات (صدر، ۱۴۰۶، ج: ۱، ۹۰) و توجه به اینکه آیات هر سوره متناسب با اهداف آن سوره و موضوع محوری آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج: ۱، ۱۶)، به شناخت ابتلائات پیامبران در قرآن کمک می‌کند. چه آنکه توجه به چینش آیات در سوره‌هایی با محوریت بیان سنت ابتلا می‌تواند رهنمونی بر ابتلای پیامبران یادشده در آن سوره قرار گیرد. این‌گونه آیات در فهم آزمون ابراهیم (ع) با افکنده‌شدن در آتش و هجرت (تبعید) راه‌گشا است.

یادکرد برخی از مواقف زندگی حضرت ابراهیم (ع) در سوره عنکبوت که در سیاق بیان سنت ابتلا و ذکر مصادیقی از آن است (همان، ج: ۱۶، ۹۸-۹۹)، می‌تواند گواهی بر ابتلابودن آنها برای ابراهیم (ع) باشد. آغازشدن سوره با اشاره به سنت ابتلا (فتنه) در آیات «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَافِرِينَ» (عنکبوت: ۲ و ۳) و ادامه آن با برشماری تصریحی یا تلویحی آزمون‌های الهی در اقوام مختلف (طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۸، ۴۲۷؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج: ۵، ۲۷۲۷) حاکی از محوریت سنت ابتلا در این سوره است. از این‌رو اشاره آیات بر ماجرای انداختن حضرت ابراهیم (ع) در آتش و هجرت جبرآمیز وی در میان امتحانات اقوام و پیامبرانشان، بیانگر ابتلائات او است (جوادی آملی در: <http://portal.esra.ir/Pages/Index.aspx?kind=2&lang=fa&id=NjYzOA%3d%3d-YKGh68GgBMA%3d>).

مجموعه ابتلائات ابراهیم (ع) به رویارویی وی با انگاره بت‌پرستی و طاغوت زمانه وی برمی‌گردد که ابتلائات پایه اصلی وی به شمار می‌آید و ابتلائات دیگر، تبعی و در درون ابتلائات پایه شکل گرفته‌اند. از این‌رو در ادامه به تطبیق مؤلفه‌های ابتلا در دو ابتلای پایه ابراهیم (ع) می‌پردازیم. با این تحلیل، تطبیق مؤلفه‌های ابتلا در ابتلائات تبعی وی روشن می‌شود.

۴. تطبیق مؤلفه‌های ابتلا

پیش‌تر اشاره شد که مؤلفه‌های ابتلائات انبیا، سنجش (ماهیت ابتلا) و تحول (راهبرد) و تعالی (غایت) است. این مؤلفه‌ها را در تمامی ابتلائات ابراهیم (ع) می‌توان اثبات کرد. میزان خطرپذیری ابراهیم (ع) در انجام‌دادن امر تبلیغ (مؤلفه سنجش) با تغییر موقعیت زندگی وی از ملامت و محرومیت اجتماعی، محکومیت به سخت‌ترین مجازات، تبدیل الفت به غربت و ... (مؤلفه دگرگونی) در بوته سنجش قرار گرفته و توأم با پدیداری صدق پیامبری و اخلاص او در عبودیت، سیر وی در مراتب کمال (مؤلفه غایت) را به همراه داشته است. در ادامه مؤلفه‌های ابتلا در گونه اصلی آن در ابتلائات ابراهیم (ع) را تحلیل می‌کنیم.

۴.۱. بت‌شکنی ابراهیم (ع)

برابر آیات قرآن، انتخاب شیوه ابلاغ پیام الهی بر عهده خود پیامبران بوده است؛ بدین معنا که شیوه اتخاذی پیامبران در دعوت مردم، استفاده از ابزارهای صحیح و متناسب با اوضاع جامعه، اعم از اوضاع اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی - وحیانی نبوده و امری اقتضایی است (برای نمونه نک: طه: ۲۹ و ۳۰) که هر پیامبر در دعوت مردم انتخاب می‌کند. بر این اساس، اقدام ابراهیم (ع) به بت‌شکنی از دو منظر در خور توجه است:

آزادی در انتخاب ابزار؛ در جامعه ابراهیم (ع) پرستش خدایان متعدد چون اجرام آسمانی (انعام: ۷۶ تا ۷۸)، پادشاهان (بقره: ۲۵۸) و بت‌ها (شعراء: ۷۱؛ انبیاء: ۵۲؛ انعام: ۷۴؛ صافات: ۸۶؛ عنکبوت: ۲۵) بر تمام ابعاد زندگی مردم سایه افکنده بود. جهل مردم و تلاش پیوسته مستکبران بر ترویج شرک، سبب انزوای موحدان در جامعه شده و مجال اصلاحگری را از آنان ربوده بود. در چنین اوضاعی کارآمدترین ابزار در شکست تابوی ربوبیت اجرام، آسیب‌رسانی به نماد آنان (بت‌ها) و نشان‌دادن ضعف و ناتوانی‌شان در حفاظت از خود و پرستندگان آنها بود. اختیار

ابراهیم (ع) در گزینش نحوه مبارزه با شرک و انتخاب شیوه‌ای پرمخاطره اما مؤثر در دعوت و صلابت و ثبات در اجرای نقشه (انبیاء: ۵۷ و صافات: ۹۱-۹۳) و اقامه برهان مقتدرانه و از موضع فعال در محکمه (شناسایی شکننده اصنام و بیان حکم مجازات او) (انبیاء: ۶۲-۶۷) نشان از شجاعت و پاک‌باختگی او در انجام‌دادن وظیفه رسالت دارد. این اقدام ابراهیم (ع)، خطرپذیری آگاهانه وی را می‌رساند و خود را برای سنجشی دقیق برابر سنت ابتلا آماده می‌کند.

آگاهی از عواقب بت‌شکنی؛ ابراهیم (ع) به رغم آگاهی از اینکه شهرت وی در نکوهش بت‌پرستی (انبیاء: ۵۲ و انعام: ۷۴)، برائت‌جویی‌های مکرر از بت‌ها (شعراء: ۷۰-۷۷؛ زخرف: ۲۶؛ انعام: ۷۸) و همراهی نکردن بت‌پرستان در مراسم جشن (صافات: ۸۸-۹۰)، به شناسایی زود هنگام او می‌انجامد و چنین اقدام بنیان‌افکن و شورشگرانه‌ای از جانب فردی منسوب به خانواده درباری و واجد منزلت خاص مذهبی - اجتماعی و سیاسی (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵: ۸۰۸) بی‌گمان مجازاتی سخت و سهمگین در پی خواهد داشت، تصمیم به شکستن بت‌ها می‌گیرد. او عافیت و حفظ منافع خود را رهین تنبه احتمالی قومش می‌گرداند و مقتدرانه در مقابل مشرکان و تخویف‌ها و تهدیدهایشان می‌ایستد.

۲.۴. رویارویی ابراهیم (ع) با طاغوت زمان

طاغوت از عوامل ظلم و انحراف در جامعه است که با استفاده از بیم، نادانی، پراکندگی و ستم اجتماعی، حاکمیت خویش بر مردم را بنا می‌نهد و با ژرف‌نمایی اسباب گمراهی پایه‌های آن را استحکام می‌بخشد (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۰۹). از این‌رو یکی از موانع جدی در هدایت‌بخشی انبیا طاغوت زمان ایشان بوده که مبارزه پیوسته با آنها و آزادکردن مردم از یوغ رهبری‌شان از اهداف مهم بعثت پیامبران (نحل: ۳۶) است. شیوه بازخوانی قرآن از احتجاج نمود و ابراهیم (ع) با بیان «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۲۵۸) نشان‌دهنده شاکله فکری و منش طاغوتی نمود است.

۱. آیا از [حال] آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود [و بدان می‌نازید، و] با ابراهیم درباره پروردگارش محاجه [می‌آورد، خبر نیافتی؟] آنگاه که ابراهیم گفت: «پروردگار من همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند». گفت: «من [هم] زنده می‌کنم و [هم] می‌میرانم». ابراهیم گفت: «خدا [ای من] خورشید را از خاور برمی‌آورد، تو آن را از باختر برآورد». پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهوت ماند. و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند.

هرچند در معرفی وی، لفظ «طاغوت» به کار نرفته، ارتباط آیه یادشده با آیات قبل که بیانگر ولایت خدا بر مؤمنان و ولایت طاغوت بر کافران است، نشان از مثال‌زنی قرآن از مصادیق مؤمن (ابراهیم (ع)) و کافر طاغوت‌نما (نمرود) دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۴۸؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۱۸؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲: ۵۰۴)، چنان‌که با بیان برخورداری احتجاج‌گر از مُلک به یکی از زمینه‌های بنیادی در استغنا و طغیانگری (علق: ۶-۷) اشاره می‌کند.

با توجه به یادکرد آیه مذکور و روایات، نمرود، پادشاهی مقتدر، ستم‌پیشه، مغرور و مستبد بوده است که با سوءاستفاده از مقام خود و سیطره سیاسی - فرهنگی - اقتصادی ناشی از آن، فساد و انحراف را در میان قوم رواج داده و با کتمان و تحریف حقایق، خویش را مالک و رب مردم خوانده است. از این‌رو جدی‌ترین و نیرومندترین و سرسخت‌ترین مانع در مسیر دعوت ابراهیم (ع) به شمار می‌رود. تصریح قرآن به ادعای الوهیت نمرود در عبارت «أَنَا أَحْيَىٰ وَ أَمِيتٌ» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۵۰) و بیان نخوت و طغیان ناشی از برخورداری او از مُلک (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۵۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۶؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۹۷) به انضمام روایاتی که نمرود را فردی جبار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲: ۲۴) و مدعی مقهورکردن همه اهل زمین (همان، ج ۲۵: ۳۷۲) توصیف می‌کنند، بیانگر غرور و تکبر وی است و بر استیلای فرهنگی او دلالت دارد. چنان‌که اقتدار و گستردگی حکومت نمرود، لجام‌گسیختگی و استبداد وی حاکی از سیطره سیاسی او است.

توصیف روایات از نسل‌کشی گسترده نمرود به منظور دفع خطر از حکومتش (همان، ج ۱۱: ۸۷) نشانه استبداد و خودکامگی او و معرفی وی با عنوان پادشاه دنیا (همان، ج ۱۲: ۲۴۵) و ذکر ادعای ربوبیتش، بیانگر اقتدار و گستردگی حکومت او است؛ چراکه پادشاهی با سلطنت محدود و حکومتی ناتوان که از سوی سایر حکومت‌ها در معرض خطر باشد، مجالی برای ادعای خدایی و اظهار ربوبیت نخواهد یافت (صالحی‌منش، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

چیرگی اقتصادی نمرود را نیز از تلازم میان قدرت سیاسی و اقتصادی و همپوشانی اشراف با مستکبران در فرهنگ قرآن (نک: عنکبوت: ۳۹؛ اعراف: ۷۵) می‌توان برداشت کرد. حال آنکه در مقابل انزوای اندک موحدان جامعه و محرومیت ابراهیم (ع) از حمایت‌ها و حقوق خانوادگی - اجتماعی (مریچ: ۴۶) به سبب اقدامات اصلاح‌گرانه‌ای چون فراخواندن پدر (عمو) به توحید و

برائت‌جویی از بت‌ها و شکستن آنها، ابراهیم (ع) را از لحاظ قدرت و نفوذ اجتماعی در موضع ضعف و انفعال قرار داده است، چنان‌که به هنگام مناظره با نمرود اتکای وی فقط به قدرت لایزال ربوبی و سنت الهی امداد حق‌پویان (مجادله: ۲۱) است.

بنابراین، نمرود، که برای حفظ حیثیت و قدرت خود باطل را با تمام توان، برای مقابله با ابراهیم نبی (ع) به خدمت درآورده و به منظور رسوایی وی احتجاج آغاز کرده است، در جلوه ابتلایی برای ابراهیم (ع) رخ می‌نماید و رویارویی مقتدرانه و زیرکانه با او، ابراهیم (ع) را به کشمکش جدی (جدال با مظهر باطل) فرا می‌خواند. به دیگر سخن، با تغییر موقعیت زندگی ابراهیم (ع) از ابلاغ فراگیر و عمومی به رویارویی با سرسخت‌ترین و نیرومندترین مانع هدایت‌بخشی (دگرگونی)، میزان صلابت و پایداری او در ابلاغ حق سنجیده می‌شود (سنجش) و افزون بر نمایش الگوی صدق، اخلاص و توکل در ابراهیم (ع)، پیشروی وی در منازل کمال را به دنبال داشته است (تعالی). بر این اساس، طاغوت عصر ابراهیم (ع) می‌تواند ابتلایی برای او قلمداد شود.

نتیجه

۱. بر اساس مفهوم واژگانی و قرآنی، ابتلا رخدادی ساختارشکن و غایت‌گرا است که سبب سنجش فرد و ظهور جوهره ایمانی او می‌شود و به توان‌افزایی یا توان‌فرسایی وی می‌انجامد.
۲. مؤلفه‌های مفهوم ابتلا، سنجش، تغییر و دگرگونی و توان‌افزایی یا توان‌فرسایی (غایت) است که برای پیامبران همواره با توان‌افزایی و تعالی همراه است.
۳. واکاوی مؤلفه‌های ابتلا در رخداد‌های زندگی و دلالت آیات و روایات موضوعی سنت ابتلا، می‌تواند الگویی برای ابتلا‌پژوهی انبیا قرار گیرد.
۴. کارآیی شیوه واکاوی مؤلفه‌های ابتلا در رخداد‌های زندگی پیامبران را می‌توان در تحلیل اوضاع فراروی ابراهیم (ع) هنگام ابتلا به بت‌شکنی و طاغوت زمانه دید.
۵. به منظور بازیابی ابتلائات انبیا در قرآن و روایات، می‌توان از آیات بیان‌کننده مصادیق ابتلا، آیات حاکی از سنت جزا در برابر ابتلا، آیات بیانگر دعاهای انبیا و آیات ناظر بر حوادث زندگی انبیا در سوره‌های با سیاق بیان سنت ابتلا بهره جست. نمونه کاربردی این آیات را می‌توان در فهم

ابتلای ابراهیم (ع) به اعلام برائت از بت‌ها و پرستندگان آنها، افکنده‌شدن در آتش، هجرت اجباری و رهایی همسر و فرزند در بیابان مکه مشاهده کرد.

۶. مفاد روایات بیانگر سنت ابتلا و ابعاد گوناگون آن، شناخت ابتلائات پیامبران را میسر می‌کند؛ چنان‌که در بازیابی ابتلائات حضرت ابراهیم (ع) به خویشاوندی مشرک و حق‌ستیز، قوم مشرک و ستیزه‌جو و افتادن در آتش به کار است.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۴۱۸ق)، ترجمه: محمدمهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، تصحيح: محمود محمد طناحي، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ج ۱.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی‌تا)، *التحریر والتنوير، بی‌جا: بی‌نا، ج ۱، ۲، ۱۹.*
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲)، *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ج ۱.
- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، تصحيح: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۱.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹)، *تفسير القرآن العظيم*، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة؛ منشورات محمدعلی بیضون، ج ۱.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، تصحيح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، الطبعة الثالثة، ج ۱۴.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰)، *البحر المحيط في التفسير*، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفكر، ج ۱.
- زهری، محمد بن احمد (بی‌تا)، *تهذيب اللغة*، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ج ۱۵.
- امین، نصرت (۱۳۶۱)، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نهضت زنان مسلمان، ج ۲ و ۹.
- آصفی، محمدمهدی (۱۳۸۵)، *در آینه وحی*، ترجمه: فریدالدین فرید عصر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ج ۴.

- آلوسی، محمود (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیة، ج ۱، ۲، ۴، ۱۰.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱.
- جمعی از محققان تحت اشراف جعفر سبحانی (۱۳۹۰)، *دانش‌نامه کلام اسلامی*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ج ۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *ادب فنای مقربان*، قم: اسراء، ج ۸.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *تسنیم*، تحقیق: عبدالکریم عابدینی، قم: اسراء، چاپ دوم، ج ۶ و ۷.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳)، *قرب الإسناد*، تصحیح: مؤسسه آل‌البتیت، قم: مؤسسه آل‌البتیت.
- دغیم، سمیح (۲۰۰۱)، *موسوعة مصطلحات الامام فخر الدین الرازی*، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم - الدار الشامیة.
- رشید رضا، محمد (۱۳۶۶)، *المنار*، قاهره: بی‌نا، چاپ دوم، ج ۱.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸)، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*، بیروت: دار الفکر المعاصر، چاپ دوم، ج ۱.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، ج ۱.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۲)، *منشور جاوید*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ج ۱۱.
- سید بن قطب بن ابراهیم بن حسین شاذلی (۱۴۱۲)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق، الطبعة السابعة عشر، ج ۱، ۴، ۱۵.
- شریعتی، محمدتقی (۱۳۵۱)، *خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت*، تهران: حسینیه ارشاد، چاپ دوم.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (بی‌تا)، *مَسکن الفؤاد عند فقد الأُحبة و الأولاد*، قم: بصیرتی.

- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴)، فتح‌القدیر، دمشق / بیروت: دار الکتب المطبوع، ج ۱ و ۴.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ج ۲، ۲۲، ۲۶.
- صالحی‌منش، محمد (۱۳۸۶)، طلوع جاودان؛ پژوهشی درباره زندگانی حضرت ابراهیم (ع)، قم: بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ دوم.
- صدر، محمد باقر (۱۴۰۶)، دروس فی علم الاصول، بیروت: نشر دار الکتب اللبنانی، الطبعة الثانية، ج ۱.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ج ۱، ۲، ۷، ۱۵، ۱۶، ۱۸.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح: محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، ج ۱.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ج ۱، ۲، ۴، ۷، ۸.
- طبری، ابوجعفر محمد ابن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ۴، ۸، ۹.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ج ۴، ۲۱، ۲۷.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، کتاب‌العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ج ۸.
- فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر، چاپ دوم، ج ۱۷.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دار الهجرة، چاپ دوم، ج ۲.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ج ۲، ۱۴، ۱۶.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۷)، الدعوات، قم: مدرسه امام مهدی (ع).

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب، چاپ چهارم.
- کاشی، عبدالرزاق بن جلال الدین (۱۳۷۷)، ترجمه اصطلاحات الصوفیه یا فرهنگ اصطلاحات عرفان و تصوف، ترجمه: محمد خواجوی، تهران: مولا، چاپ دوم، ج ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹)، الکافی، قم: دار الحدیث، ج ۳، ۴، ۸، ۱۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۹)، اصول الکافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی، ج ۳.
- مترجمان (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۱۱.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تصحیح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية، ج ۱۱، ۱۲، ۲۵.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۰)، دانش‌نامه قرآن و حدیث، قم: مؤسسه علمی- فرهنگی دارالحدیث، ج ۱۵.
- مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ج ۹.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الأمالی، تصحیح: حسین استادولی و علی‌اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۱.
- موسوی سبزواری، عبد الاعلی (۱۴۰۹)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: انتشارات اهل بیت (ع)، چاپ دوم، ج ۲ و ۴.
- یوسفی مقدم، محمد صادق (۱۳۸۶)، «امتحان»، در: دائرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، چاپ دوم، ج ۴.
- مرکز علوم و حیانی اسراء، www.esra.ir